

Judicial Interpretations of the Concept and Examples of “Disruption in the Economic System of the Country”

Rasoul Ahmadzadeh

Ph. D. Student, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Seyed Doraid Mousavi Mojab*

Assistant Professor Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Mahmoud Saber

Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

The offense of disrupting the country's economic system is criminalized under the Law on Punishment of Disruptors of the Economic System of the Country. However, due to the absence of a statutory definition of "disruption" and the lack of clear criteria for determining its scope and extent, establishing this offense faces significant challenges. This study addresses the question of what interpretations exist in courts regarding behaviors that constitute the offense of disrupting the country's economic system, given the illustrative nature of the instances listed in Article 1 of the aforementioned law. By referring to the minutes of the law's approval discussions and employing a qualitative approach with a case study method, the research examines the judicial practice of specialized branches of the Islamic Revolutionary Court tasked with handling cases of economic disruptors and corruptors, alongside content analysis of case files and in-depth interviews with judges and lawyers. The findings indicate that judicial interpretations of behaviors constituting disruption in the economic system are inconsistent and lack a clear, cohesive criterion, relying heavily on the judges' subjective understanding of the scope of disruptive behavior in specialized courts. Consequently, revising the Law on Punishment of Disruptors of the Economic System of the Country and establishing a uniform judicial procedure through interpretation by the General Board of the Supreme Court in the form of issuing a binding precedent in the short term are deemed essential.

Key words: Disruption of the Economic System, Conduct Lacking Criminal Character, Analogical Law, judicial interpretation, judicial procedure.

* **Email:** d.mojab@modares.ac.ir (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۳۰، شماره ۱۰۹، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۱ تا ۲۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

تفاسیر قضائی از مفهوم و مصادیق «اخلال در نظام اقتصادی کشور»

ارسلو احمدزاده | دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق،
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
اسیددرید موسوی مجاب* | استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده
حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمود صابر | دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه
تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

اخلال در نظام اقتصادی کشور به موجب قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور جرم‌انگاری شده است، اما به جهت سکوت قانون‌گذار در تعریف مفهوم اخلال، عدم ارائه ضابطه در تعیین حدود و دامنه اخلال، احراز این بزه با چالش‌های عمده‌ای مواجه است. در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده می‌شود که با توجه به تمثیلی بودن مصادیق ماده ۱ قانون مذکور، چه برداشتهایی از رفتارهای موجد عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور در محاکم وجود دارد؟ این پژوهش ضمن مراجعه به مشروح مذاکرات تصویب این قانون، با استفاده از رویکرد کیفی و روش موردپژوهی، رویه قضائی شعب ویژه دادگاه انقلاب اسلامی جهت رسیدگی به پرونده‌های اخلالگران و مفسدان اقتصادی را به همراه تحلیل محتوای پرونده‌ها، مصاحبه عمیق با قضات و وکلا واکاوی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفاسیر قضائی از مصادیق رفتارهای موجد اخلال در نظام اقتصادی کشور مشتت

Email : d.mojab@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول

بوده و فاقد ضابطه‌ای معین و منسجم است و بیشتر بر برداشت‌های قضات دادگاه‌های ویژه از دامنه رفتاری اخلال تکیه کرده است. از این رو، بازنگری در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و استقرار رویه واحد از طریق تفسیر توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور در قالب صدور رأی وحدت رویه در کوتاه‌مدت امری ضروری است.

واژگان کلیدی: اخلال در نظام اقتصادی، رفتار فاقد وصف مجرمانه، قانون تمثیلی، تفسیر قضائی، رویه قضائی.

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های قانون خوب و باکیفیت در قلمرو قانون‌گذاری کیفری، رعایت اصل شفافیت است. گزاره‌های قانونی مبهم حکایت از عدم توجه به اصل شفافیت دارد و عدم رعایت آن در قوانین کیفری به امنیت حقوقی شهروندان که یکی از حقوق مسلم اشخاص است، لطمه وارد می‌کند (موذن‌زادگان و رهدارپور، ۱۴۰۱: ۱۹۳-۲۲۰). واضح بودن قانون شرط ضروری تضمین حقوق و آزادی‌هاست و اگر قوانین غیرواضح و مبهم اصل قانونی بودن جرم را نقض کند، آنچه قرار است در وضعیت آزادی نیز انجام دهیم مبهم و پوچ خواهد بود.

یکی از قوانین مهم اقتصادی، یعنی قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور که در شرایطی شتاب‌زده به تصویب رسیده است (سمیعی زنوز و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹)، با ذکر عبارات، عناوین و اصطلاحات کلی و مبهم اصل شفافیت قانون را تحت الشعاع قرار داده است؛ تا جایی که می‌توان مهم‌ترین ویژگی این قانون را آشفتگی و نبود شفافیت در جرم‌انگاری و وضع عناوین مجرمانه دانست. قانون باید در قالبی از کلمات ریخته شود که به‌طور روشن و صریح بر مقصود قانون‌گذار دلالت کند و دایره موضوع مورد حکم، به

۱. مخبر کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس در طلیعه گزارش خود در صحن علنی مجلس بیان می‌کند: «در مسئله مبارزه با اخلالگران فوریت امر مطرح بود. قوه قضائیه متصلاً می‌گفتند که در بعضی موارد قانون نداریم. ... به همین علت بود که کمیسیون قضائی خیلی از طرح‌ها و لوایح را که در نوبت بود، با توجه به فوریت امر این طرح را مورد بحث قرار داد».

گونه‌ای حصری و به نحوی جامع و مانع تبیین شود؛ حال آنکه ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، در هر بند به چندین رفتار اشاره و در انتهای هر بند از عباراتی مانند «امثال آن‌ها» یا «نظایر آن» استفاده کرده است که طیف متنوعی از ادراک و اجتهاد نزد مفسران و مجریان قانون ایجاد می‌کند.

به کار بردن عباراتی که مصادیق قانون را تمثیلی می‌کند، از جهتی می‌تواند مفید باشد و آن هم این است که با توجه به رشد فناوری و تحولات اجتماعی، امکان ظهور و بروز مصادیق جدید از سنخ رفتارهای مذکور در قانون وجود دارد و لذا قانون می‌تواند تا حدی آن‌ها را پوشش دهد و دیگر نیازی به اصلاح قانون نباشد. اما عدم شفافیت و پیش‌بینی‌ناپذیری قانون، اسباب و ابعاد متعدد و پیامدهای قابل انتقادی دارد که مهم‌تر از همه ابهام در تشخیص مصادیق رفتارهای مجرمانه جرم است. البته قانون‌گذار نیز در برخی از موارد از مفهوم لغوی و ماهوی اخلال نیز عدول کرده است؛ برای نمونه در بند (د) ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی، هرگونه اقدام به خارج کردن میراث فرهنگی را قاچاق محسوب کرده و آن را در زمره جرائم مختل‌کننده نظام اقتصادی محسوب کرده است؛ در حالی که این جرم، اخلالی در نظام اقتصادی به مفهومی که ذکر شده است، ایجاد نمی‌کند و به زعم برخی از حقوق‌دانان می‌توان آن را در زمره جرائم علیه آسایش عمومی محسوب کرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۴۵). به هر روی، وفق اصل «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» و نیز اصل مهم «قیح عقاب بلایان»، تمثیلی بودن می‌تواند موجب ابهام در تشخیص مصادیق رفتار مجرمانه شود؛ به گونه‌ای که در دادنامه‌های اصداری در پرونده‌های اخلال در نظام اقتصادی، تفاسیر تا تسری به رفتار مشروع نیز پیش رفته است که این رویکرد با توجه به کيفرهای سنگین پیش‌بینی شده مانند اعدام و حبس‌های بلندمدت، به دور از اصل «احتیاط در دماء»^۱ است. به‌ویژه اینکه سیاست جنایی استجازه‌ای در سال‌های اخیر به سمت تشدید برخورد با متهمان این جرائم پیش رفته است (احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۷-۲۱).

۱. حساسیت بالای مسئله حیات و سلامت جسمانی به گونه‌ای است که عقل به‌طور مستقل بر ضرورت احتیاط در اقداماتی که می‌تواند به آن آسیب بزند حکم می‌نماید و سیره مستمر عقلا بر این حکم صحه
 ۲

در این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و روش موردپژوهی، داده‌های مصاحبه با هجده تن از قضات و وکلای متخصص در جرائم اقتصادی و محتوای متن ۵۹ پرونده و دادنامه آن کدگذاری و تحلیل شده است. در برخی از موارد، علاوه بر حضور در جلسات دادرسی، بررسی همه‌جانبه‌ای ضمن مصاحبه با قاضی پرونده انجام شد. تحقیق پیش رو در تلاش است به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مفهوم «اخلال در نظام اقتصادی کشور» چیست و قضات در رویه قضائی این مفهوم را چگونه تفسیر می‌کنند؟ و با توجه به تمثیلی بودن مصادیق ماده ۱ قانون اخلال، چه برداشت‌هایی از رفتارهای موجد عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور در محاکم وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها تلاش خواهد شد، برداشت‌های قضائی و تفاسیر موجود از مفهوم و مصادیق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور در ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مورد مذاقه، نقد و تحلیل قرار گرفته است و از این رهیافت تفسیر مختار تبیین و تشریح می‌شود. مقاله در دو بخش تنظیم شده است: نخست «چهارچوب مفهومی اخلال در نظام اقتصادی کشور» را مورد مطالعه قرار داده‌ایم و سپس با بررسی احکام متناظر در پرتو رویه قضائی، «تفاسیر قضائی از رفتارهای مجرمانه موجد اخلال در نظام اقتصادی کشور» مورد واکاوی قرار گرفته است و در پایان نظریه مختار طرح و تبیین خواهد شد.

۱. چهارچوب مفهومی اخلال در نظام اقتصادی کشور

اخلال در لغت به معنای خلل آوردن، خلل رسانیدن، رخنه کردن، تباهی و زیان رسانیدن، درهم کردن و به‌هم‌زدن کاری آمده است (معین، ۱۳۸۴: ۱۷۴). اخلال‌گر نیز به معنای کسی که در کارها اخلال می‌کند و آنکه کارها را بر هم می‌زند. اما چنانکه می‌دانیم اخلال در نظام اقتصادی کشور با همه هیمنه و هیبتی که دارد و با همه توالی فاسدی که به بار می‌آورد، هیچ تعریف قانونی، قضائی و حتی اقتصادی مشخصی ندارد (امیدی، ۱۴۰۱: ۴۱). حتی با مروری بر قوانین موجود در این حوزه، اعم از قانون مجازات اخلال‌گران در نظام

نهاده است. روح حاکم بر شریعت اسلامی نیز هم‌سو با عقل بر رعایت احتیاط در دماء در واکنش کیفی در برابر بزهکاران اهتمام ویژه دارد (اکرمی، ۱۳۹۹: ۳۲-۳۸).

اقتصادی، قانون اخلال گران در صنایع، قانون مجازات اخلال گران در امر کشاورزی و سایر قوانین متفرقه و خاص، می‌بینیم که در هیچ کجا در سوابق قانونی، تعریفی از اخلال ارائه نشده است.

اخلال در نظام اقتصادی کشور مساوی با فروپاشی و اضمحلال کامل اقتصاد یک کشور نیست، بلکه اخلال در نظام اقتصادی ایجاد بی‌نظمی، بی‌ثباتی و آشفتگی یا وقفه و برهم زدن نظم و امنیت اقتصادی کشور است که اساساً ملازمه با ازبین رفتن یا متلاشی شدن اقتصاد یک کشور ندارد. اگر نظام اقتصادی را به مجموعه مرتبط و منظم عناصری تعریف کنیم که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کنند، رفتارهای مخل نظام اقتصادی را باید مشتمل بر رفتارهایی دانست که نظام موجود در ساختار تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات را مختل می‌کند و موجب ایجاد عسر و حرج برای مردم یا بخش قابل توجهی از آنان می‌شود (ابراهیمی و صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). آنچه عرفاً و عقلاً از اصطلاح اخلال در نظام اقتصادی مستفاد می‌شود عبارت است از برهم زدن نظم و ثبات حاکم بر حوزه اقتصاد و ناکارآمد ساختن سیر طبیعی و وضعیت روبه‌رشد نظام اقتصادی از طریق تأثیر منفی و مخرب بر دست‌کم یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مثل سرمایه‌گذاری، تولید، رشد اقتصادی، اشتغال، تورم و ... (امیدی، ۱۴۰۳: ۵۴). از این رو لازمه تحقق اخلال در نظام اقتصادی از طریق رفتارهای مجرمانه منعکس در ماده ۱ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی، این نیست که به محض وقوع جرم، آثار و تبعات زیان‌بار آن در اقتصاد کشور ظهور و بروز یابد، بلکه ممکن است پس از مضي مدتی این آثار و تبعات زیان‌بار بر اقتصاد خود را نشان دهد.

اینکه اخلال - به عنوان نتیجه - چه زمانی محقق می‌شود و چه نوع اخلالی مدنظر قانون بوده است، محل ابهام است. اشاره به این نکته ضروری است که اخلال نتیجه مجرمانه جرم موضوع ماده ۱ قانون مجازات اخلال‌گران است و در هر حال نمی‌توان آن را به عنوان رفتار مجرمانه در نظر گرفت. به عبارت ساده‌تر، اگر اخلال رفتار مجرمانه باشد، جرم مورد بحث مطلق است که به صرف ارتکاب رفتار، محقق شده و نیازی به نتیجه ندارد. اما چنانچه

اخلال نتیجه جرم باشد، رفتار از نتیجه متمایز می‌شود و بنابراین هر رفتاری که در ماده ۱ قانون ذکر شده باشد و به اخلال منجر شود، جرم محقق خواهد شد. از سیاق غالب بندهای ماده ۱ این قانون و همچنین تبصره ۱ ماده ۲ نیز به وضوح قابل استنباط است که در صورتی که عملیات موضوع بندهای ماده ۱ این نتیجه را در پی نداشته باشند، اساساً جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور محقق نمی‌شود. زیرا در تبصره ۱ ماده ۲ این قانون، عبارت «در مواردی که اخلال موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای هفت گانه ماده (۱) عمده یا کلان یا فراوان نباشد، ...» در تقابل با ماده ۲ همان قانون - که اخلال عمده یا کلان یا فراوان را مدنظر داشته - مقرر شده و این تقابل مشعر بر آن است که در هر دو فرض، صرفاً حالتی مجرمانه است که رفتارهای مرتکب منجر به اخلال شود.

مصاحبه‌شونده شماره ۴ در مصاحبه بیان داشته است:

در بحث دادرسی، درخصوص اینکه واقعاً اخلال به چه معناست و وقتی می‌گوییم اخلال در نظام اقتصادی، اینکه این اخلال ماهیتاً به چه معناست، درخصوص همین واژه هم بین همکاران قضائی - چه در دادسراها و چه در دادگاه‌های ویژه - اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. دیدگاه برخی از همکاران قضائی این است که منظور از اخلال در نظام اقتصادی همان بی‌ثباتی و بی‌برنامگی است که حاصل شده است؛ یعنی این‌ها درواقع کاری به نتیجه حاصله ندارند. به نوعی می‌شود که به آن به‌عنوان یک جرم مطلق نگاه می‌کنند؛ یعنی همین که در حوزه اقتصادی یک بی‌نظمی و نابه‌سامانی ایجاد شد، به این به‌عنوان اخلال در نظام اقتصادی نگاه می‌کنند. برخی هم معتقدند که منظور از اخلال در نظام اقتصادی، ایجاد بحران است. یک بحران اقتصادی باید ایجاد شود تا ما به استناد آن بحران بتوانیم به این عنوان، صیغه بحران یا اخلال اقتصادی بدهیم.

مراجعه به مشروح مذاکرات تصویب این قانون نیز راهگشا نیست. مرور مشروح مذاکرات، مهر تأییدی بر مبهم بودن این عنوان نزد قانون‌گذاران است، به گونه‌ای که یکی از نمایندگان پیش از تصویب چنین گفته است:

این اخلال را چه کسی معنا می‌کند؟ قانون‌گذار باید معنا کند. معنا نکرده، یک قاضی ممکن است در خراسان یک چیز بگوید در کردستان یک چیز دیگر بگوید. این‌ها

اصلاً اختلاف نظر است. باید یک وحدت رویه قضائی باشد و این وحدت رویه قضائی را چه کسی ایجاد می‌کند؟ اگر قانون‌گذار مشخص نکند بعداً می‌رود در قضائیه فکری برایش خواهند کرد. اینجا باید آقایان معلوم می‌کردند. ... این قانون هم که تصویب بشود، جایی نمی‌رسد به مردم امید بی‌خودی ندهید.^۱

این سردرگمی نمایندگان و عدم وفاق در مفهوم و معیارهای اخلال، موجب ابهام‌آفرینی بیشتری نیز می‌شود و به نظر می‌رسد که با مفهومی روبه‌رو هستیم که واضعان آن نیز درک مشترک یا حداقل شفافیتی از ابعاد و ماهیت آن نداشتند. همین ابهام در قانون‌گذاری و تفسیر، رویه قضائی را نیز دچار چالش می‌کند و مرور آرای دادگاه‌ها و مصاحبه‌هایی که با برخی از قضات یا حقوق‌دانان انجام شده، تأییدکننده این دیدگاه است. مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان داشته است: «برای خود من سؤال است که اگر این پرونده‌ها منجر به اخلال در نظام اقتصادی کشور شده بود، چگونه اقتصاد ما هنوز پابرجاست؟! یا باید بپذیریم که منجر به اخلال نشده بود و آن پرونده‌ها اخلاالی به وجود نیاورده بودند یا آنکه تحقق اخلال را قبول داریم. اگر قبول داشته باشیم که اخلال محقق بوده است، پس باید الان که دیگر اخلال گرانی در حال تعقیب و محاکمه نیستند، وضع اقتصاد بهتر باشد، حال آنکه بدتر است!».

۲. تفاسیر قضائی از رفتارهای مجرمانه موجد اخلال در نظام اقتصادی کشور

در ماده اول این قانون طی ۷ بند، چهار زیرسیستم اصلی اقتصاد مورد حمایت قرار گرفته و علاوه بر آن با ذکر سه عنوان کلی صراحتاً به استناد نتیجه حاصله، آن‌ها را فعل پایه مسبب ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور قرار داده است. پس از آن صرفاً در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام تبیین و توصیف جرم افساد فی الارض به اخلال در نظام اقتصادی کشور اشاره شده است و جز این قانون، هیچ‌گونه توضیحی در مقام بیان جزئیات

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۵۷، دوره سوم، ۱۳۶۹/۰۴/۲۵.

و توصیف ارکان و شرایط جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور در دست نیست.^۱ در این قانون، صراحتاً جرمی تحت عنوان «اخلال در نظام اقتصادی کشور» به رسمیت شناخته نشده است. اما در پرتو مفاد ماده ۱ این قانون، می‌توان رفتارهایی را احصا و برشمرد که به عنوان مصادیقی از اخلال در نظام اقتصادی کشور جرم محسوب شده و مستوجب مجازات است. اما مصادیق ذکر شده در این قانون، جامع و مانع نیستند. جرائم ارتكابی در حوزه بانکی، خصوصی‌سازی، جرائم شرکتی و جرائم مرتبط با صادرات و واردات که در سال‌های اخیر اقتصاد ایران را دچار اختلال کرده است» (حسینی و مهرا، ۱۳۹۶: ۶۹)، در این فهرست نیامده است و از این رو تمسک دادرسان به این قانون برای پوشش مصادیق نوظهور خلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست. فقدان تعریف روشن از جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور باعث شده حتی برخی اقداماتی که جنبه حقوقی دارند، مانند عجز از بازپرداخت وام دریافتی به سیستم بانکی نیز در شمار رفتارهای اخلال‌گرانه قرار گرفته و از کسانی که بدهی خود را تسویه نمی‌کنند به عنوان مفسد اقتصادی یاد شود.

با توجه به سکوت قانون‌گذار در تعریف اخلال، عدم تفکیک مصادیق رفتاری، شناسایی رفتار مجرمانه این جرم با چالش‌هایی مواجه است که رویه‌ها و تفسیرهای مختلفی را به وجود آورده است. برداشت و تفسیر قضائی از مفهوم اخلال و رفتارهای پایه‌سازنده این جرم در رویه قضائی محاکم رسیدگی‌کننده به این اتهام در چند دسته قابل تقسیم است که در ادامه به شرح و تحلیل آن می‌پردازیم.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه و ضوابط افسادانگاری «اخلال در نظام اقتصادی»، ر.ک: احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۳.

۲-۱. لزوم ارتکاب رفتارهای مجرمانه در تحقق اخلال در نظام اقتصادی کشور

جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور در بندهای «الف» و «ب» و «ج» ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، جرمی مقید به نتیجه محسوب می‌شود.^۱ با این توضیح که حسب مورد در بندهای «الف» تا «ج» به «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور»، «اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی»، «اخلال در نظام تولیدی کشور» اشاره شده است که هر یک رکنی از نظام اقتصادی کشور است و به این طریق قانون‌گذار اخلال در آن ارکان را به‌عنوان نتیجه مجرمانه مدنظر، تحقق‌بخش جرم متبوع دانسته است. به عبارت ساده‌تر برای تحقق اخلال در نظام اقتصادی کشور، ضروری است رفتاری انجام شود تا اخلالی در «نظام پولی یا ارزی کشور»، «امر توزیع مایحتاج عمومی»، «نظام تولیدی کشور» صورت گیرد. در مقام توصیف ارکان هر یک از بندهای سه‌گانه این جرم، به رفتارهای مجرمانه‌ای اشاره کرده است که مصادیق این رفتارها کاملاً تمثیلی است. برداشتهای قضائی از اینکه چه نوع رفتارهایی لازم است تا جرم موضوع ماده ۱ این قانون محقق شود، در سه رویکرد قابل تحلیل است. ویژگی مهم هر سه رویکرد و وصف مشترک آنها تأکید بر لزوم مجرمانه بودن رفتار مرتکب است و این برداشتهای در صددند که ضمن قوام‌بخشی به چهارچوب جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور، مطابق اصل قانونی بودن جرم و مجازات و در پهنه اصل حاکمیت قانون برداشت و تفسیر مورد نظر را نظریه‌مند سازند.

۲-۱-۱. رفتارهای مجرمانه مصرح در قانون مجازات اخلالگران

این گروه ضمن بحران‌آفرین دانستن «عدم خصوصیت» رفتار مجرمانه در جرم اخلال، به متن ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران ارجاع داده و صرفاً رفتارهایی را قابل مجازات می‌دانند که در این قانون به آنها اشاره شده است و به مختل شدن نظام اقتصادی کشور شده منجر باشد. به عقیده این گروه، فراتر رفتن از نص قانون مجازات اخلالگران در نظام

۱. در حقوق کیفری واژگانی وجود دارد که صورت و ظاهر فعلی و مصدری دارند، اما سیرت و باطنشان نتیجه را افاده می‌نماید. نظیر واژه‌های اخلال یا افساد که هر دو به‌لحاظ ادبی افاده فعل می‌کنند، اما به‌لحاظ حقوقی با نتیجه مرتبط هستند.

اقتصادی کشور موجب می‌شود که قضات بنا بر سلیقه خود هر رفتاری را تحقق بخش جرم اخلال دانسته و متهمان را به مجازات‌های شدید محکوم کنند. متهمانی که چه بسا نمی‌دانند چه رفتاری رکن مادی این جرم را تشکیل می‌دهد و این پیش‌بینی ناپذیری رفتار مجرمانه و ابهام در تعیین نوع رفتار موجب اخلال با اصل قانونی بودن جرم و مجازات مغایرت دارد. از این رو شایسته است که مصادیق رفتاری جرم اخلال صرفاً به رفتارهای مصرح در این قانون محدود شود و رویه قضائی با هوشمندی از توسعه مفهومی و مصادیقی این جرم پرهیز کند.

۲-۱-۲. رفتارهای مجرمانه تمام قوانین جزایی

اقتضای این برداشت و تفسیر که در رویه قضائی نیز طرف‌دارانی دارد، امکان تحقق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور با هر گونه رفتار مجرمانه‌ای است که در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده باشد. این تفسیر با تکیه بر این نکته کلیدی که در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور به رفتارهایی اشاره شده است که اساساً در زمان تصویب آن قانون جرم نبوده است، در صدد است این ادعا را به اثبات برساند که به قیاس اولویت رفتارهای مجرمانه احصاشده در سایر قوانین می‌تواند موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور و تحقق این جرم باشد. برای نمونه، «فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد» یا «پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن‌ها» در سال ۱۳۶۹ اساساً فاقد وصف مجرمانه بوده‌اند و اگر قانون‌گذار پذیرفته است که با چنین رفتارهای غیرمجرمانه‌ای اخلال محقق شود، به طریق اولی با ارتکاب رفتارهای مجرمانه در سایر قوانین نیز امکان تحقق جرم اخلال فراهم است. چه اینکه واژه امثال آن در بندهای «الف» تا «ج» ماده ۱ دقیقاً ناظر به همین مصادیق است. طبعاً مطابق این تفسیر، رفتارهای مذکور در ماده ۱ نیز ویژگی و خصیصه خود را ازدست خواهند داد و باید قائل بر آن باشیم که اشاره به رفتارهای مقرر در بندهای ماده ۱ از سوی قانون‌گذار صرفاً از باب مثال و ذکر نمونه بوده است.

برای نمونه در دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۸۹۰۰۱۰۷۲۱۵۹۶ متهم اخلال در نظام اقتصادی از طریق اخلال در نظام پولی کشور از طریق تحصیل مال از طریق نامشروع به استناد ماده ۲

قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور به حبس و شلاق محکوم شده و در ادامه به استناد ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، وی را به اتهام تحصیل مال از طرق نامشروع به تحمل حبس و رد اصل مال محکوم کرده است. آنچه از متن دادنامه برمی آید، این است که مقام قضائی واژه «امثال آن» مذکور در این بند را موسع تفسیر کرده و هر جرمی را داخل در آن دانسته است. لذا با وجود آنکه قانون مجازات اخلاالگران، در بند ۱ به مصداق تحصیل مال از طریق نامشروع اشاره ای نکرده است، اما در همان محدوده مصداق سازی شده و با توسل به تفسیر قضائی یک جرم مالی را در این بخش گنجانده اند. این در حالی است که برخی از قضات دیوان عالی کشور چنین توسعه ای را نپذیرفته و برای نمونه در پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۲۲۱۳۰۰۱۰۴ که پیرو درخواست اعاده دادرسی محکومان به شعبه اول ارجاع شده بود، هیئت دادرسان شعبه برداشت خود را از گستره و مفهوم «اخلال در نظام اقتصادی کشور» این گونه شرح داده اند: نظر به محتویات پرونده اولاً برحسب بند (الف) قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور، اخلال در نظام اقتصادی (ارزی) فقط از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا توزیع عمده آنان ممکن می گردد، لذا اخلال در نظام اقتصادی از طریق تحصیل مال از طریق نامشروع و خیانت در امانت از شمول بند الف ماده ۱ قانون مذکور خارج می باشد.^۱

۲-۱-۳. رفتارهای مجرمانه مشابه با رفتارهای مصرح در قانون مجازات اخلاالگران

مبتنی بر این رویکرد، رعایت قید مماثلت در احراز رفتارهای پایه برای تحقق جرم اخلال، امری ضروری است. در مواردی که منطوق در قانون وجود نداشته باشد، در حالی که ضرورت است تا به احکام هم مثل آن قیاس صورت گیرد، جواز این تفسیر مشروط بر این است که در قیاس، مماثلت حکم وجود داشته باشد و متعدی شدن اصل که متن قانون است به فرع که استنباط است مطابقت داشته باشد.

۱. این استدلال از صفحه ۲۸۹ دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۸۵۸۴۳۱۱ صادره از شعبه سوم دادگاه انقلاب تهران که در گردشکار به سوابق اشاره کرده است، نقل شد.

۲-۲. توسعه اخلال در نظام اقتصادی کشور به افعال فاقد وصف مجرمانه

دسته دوم از دیدگاه‌های قضائی بر آن باور است که علاوه بر امکان تحقق اخلال در نظام اقتصادی کشور بر پایه رفتارهای مجرمانه، قانون‌گذار تحقق اخلال را منوط به ارتکاب رفتار جرم‌انگاری شده ندانسته و در مواردی به رفتارهای فاقد وصف مجرمانه نیز تصریح داشته است که ممکن است موجب تحقق اخلال در نظام شود.^۱ این گروه بر این باور است که اخلال در نظام اقتصادی کشور ممکن است در عمل از طریق رفتارهایی نظیر دریافت تسهیلات با اسناد جعلی و اظهارات خلاف و بدون داشتن شرایط مقرر قانونی، سپردن وثایق فاقد اعتبار یا کم‌اعتبار، استفاده از تسهیلات دریافتی در موضوعی غیر از قرارداد، عدم بازپرداخت عامدانه اقساط و ادعای واهی ورشکستگی از سوی بدهکاران بانکی، که جملگی فاقد وصف مجرمانه هستند، صورت گیرد و به نظام بانکی کشور آسیب وارد کند و زمینه‌های لازم برای اخلال در نظام اقتصادی را به وجود آورد.

این رویکرد ضمن استقبال از رویکرد تمثیلی، معتقد است به کار بردن چنین عباراتی که مصادیق قانون را تمثیلی می‌کند، از جهتی می‌تواند مفید باشد و آن هم این است که با توجه به رشد فناوری و تحولات اجتماعی، امکان ظهور و بروز مصادیق جدید از سنخ رفتارهای مذکور در قانون وجود دارد و لذا قانون می‌تواند جرائم جدید را تا حدی پوشش دهد و دیگر نیازی به اصلاح قانون نباشد. همچنین واضح است در مواردی که اسامی متعدد مذکور در متن قانون فاقد وصف مشترک باشند و از یک نوع یا سنخ به‌شمار نیابند نمی‌توان چنین قاعده‌ای را به کار برد و انصراف و تحدید «سایر» به مصادیق مشابه فاقد مبناست.

به هر روی، این گروه در جهت تقویت استدلال خویش بیان می‌کنند که برای نمونه تمام اعمال مذکور در بند «ب» قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور شامل

۱. گروهی از نویسندگان نیز با در نظر گرفتن عبارت «و امثال آن» نه «رفتار» و نه «طریق رفتار» را دارای خصوصیت ندانسته و در نتیجه قائل به امکان توسعه بی حد و حصر رفتارها در مقام تفسیر هستند (خبازی خادر و حسین، ۱۳۹۹: ۳۰۹).

گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن‌ها به‌منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن‌ها رفتارهایی هستند که در موقعیت جرم‌انگاری قانون مزبور اساساً فاقد وصف مجرمانه بوده و قابل تعقیب کیفری نبودند و ذکر چنین مصادیقی نشان از آن دارد که هدف مقنن جرم‌انگاری نتیجه‌غایی جرم، فارغ از رفتار پایه بوده است. طرف‌داران این گروه خود دو دسته مجزا هستند که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۲-۱. اخلال در نظام اقتصادی کشور ناشی از ارتکاب تخلف

مرز تخلف و جرم در قانون مجازات اخلال‌گران به شدت درهم‌آمیخته و متشتت است. معلوم نیست تخلفی که می‌تواند در صلاحیت محاکم نباشد، مانند بحث گران‌فروشی که مرجع رسیدگی به آن تعزیرات است و مجازات انتظامی در پی دارد، چگونه می‌تواند در کنار خود بحث اخلال را در پی داشته باشد. از همین رو ممکن است علاوه بر آنکه اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق رفتارهای مجرمانه قابل تصور باشد، ارتکاب رفتارهای فاقد وصف مجرمانه - اما ممنوع - نیز به دایره رفتارهای این جرم افزوده شود. مبتنی بر این برداشت علاوه بر ارتکاب جرم، با ارتکاب تخلف نیز می‌توان اخلال در نظام اقتصادی کشور را رقم زد.

برای نمونه در کیفرخواست شماره ۹۷۱۰۴۳۲۱۳۲۰۰۳۲۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۱ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب تهران، آقای ب. ب. صرفاً به دلیل خرید حدود ۳۹ میلیون دلار ارز از سامانه سنا بانک مرکزی به واسطه اجاره کارت ملی ۱۰۲۸ نفر و مصرف آن در موارد مختلف که به تصریح کیفرخواست صادره مشخص هم نبود، به اتهام اخلال در نظام ارزی کشور مورد تعقیب کیفری قرار گرفت.

در بخشی از کیفرخواست مورد اشاره، دادستانی تصریح کرده است که

۱. در کیفرخواست مورد اشاره به تصریح بیان شده است که «سرنوشت ارزهای مورد نظر نامشخص و مبهم است».

ثانیاً به موجب بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور اخلاال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن جرم تلقی گردیده که به لحاظ تمثیلی بودن موارد مصرحه در بند الف ماده فوق عملیات انجام شده از سوی متهم به نحوی که به شرح فوق آمده با جرم مذکور انطباق دارد ...

در مانحن فیه رفتار مرتکب بر فرض وقوع در عالم خارج منطبق با ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور بوده است که صرفاً یک تخلف انضباطی و دارای مجازات انتظامی خاص خود یعنی جزای نقدی تا معادل ۵۰ درصد مبلغ موضوع تخلف است که در هیئت انتظامی پیش‌بینی شده مقرر در آن قانون قابل رسیدگی است.

شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به پرونده‌های اخلاالگران و مفسدان اقتصادی تهران در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۸۰۷۳۰۰۰۷ ضمن تصریح به این نکته که

قانونگذار مصادیق مجرمانه در بندهای هفت گانه ماده ۱ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ را به طور غیرحصری و به طور تمثیلی از قبیل قاچاق ارز، ضرب سکه، احتکار و گران‌فروشی ارزاق و نیازمندی‌های عمومی و سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد و غیره عنوان داشته است. با این وصف مدافعات متهم و وکیل وی مبنی بر جرم نبودن اعمال ارتكابی و مستثنا بودن آن از شمول قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور قابل پذیرش نیست. چون خرید و فروش غیرقانونی ارز بدون رعایت بند ج ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور جرم تلقی شده و از مصادیق رفتارهای تمثیلی بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور محسوب که هرگاه نظام ارزی کشور را به عنوان یکی از ارکان مهم و اساسی اقتصاد یک کشور اچار اختلال و بی‌نظمی و آشفتگی قرار دهد مشمول بند الف ماده ۱ قانون مرقوم می‌گردد.

ضمن احراز وقوع جرم، متهم را به تحمل ده سال حبس تعزیری و دو میلیارد ریال جزای نقدی و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و محکومیت دائم از هر گونه خدمات دولتی (استخدام در مشاغل دولتی) محکوم کرده است. همچنین دادگاه در بخشی دیگر می‌افزاید:

با مذاقه در قوانین این نتیجه حاصل می‌گردد که در هیچ‌یک از مقررات قانونی نه تصریحاً و نه تلویحاً و نه منطوقاً و نه مفهوماً تعقیب جزایی افرادی که در مظان اتهام خرید و فروش غیرقانونی ارز موضوع ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور از شمول مقررات کیفری مستثنی نشده و رسم مألوف و عهد معهود و رویه عملی مراجع قضائی در رسیدگی به این دسته جرائم نیز مؤید این ادعاست.

۲-۲-۲. اخلال در نظام اقتصادی کشور ناشی از ارتکاب افعال مباح

مبتنی بر رویکرد دوم، اساساً رفتار مجرمانه مرتکب فاقد موضوعیت است و قانون‌گذار با عبارت‌های تمثیلی از رفتارهای مجرمانه و غیرمجرمانه، مباح و غیرمباح در صدد بوده است که نتیجه محقق شده را موضوع جرم‌انگاری قرار دهد و رفتار مرتکب طریقت دارد. بنا بر این برداشت، می‌توان شخصی را تصور کرد که اقدام به خرید عمده سکه می‌نماید. چه اینکه عرضه سکه‌های طلا توسط بانک مرکزی و فروش بی‌قید و شرط آن به اشخاص است که مطابق مقررات قانونی و موازین شرعی عملی است کاملاً مجاز. با این حال بعد از بروز بحران اقتصادی در سال ۱۳۹۷ و تمایل طبیعی اشخاص به حفظ ارزش اندوخته‌های ریالی خود و تبدیل آن‌ها به کالاهای سرمایه‌ای مثل سکه و ارز، همین عمل مجاز مصداق اخلال در نظام اقتصادی کشور به‌شمار آمد و بعضی از خریداران انبوه را در معرض مجازات‌های سنگین مثل اعدام قرار داد.^۱

۱. دادنامه ۹۷۰۹۹۷۷۸۰۷۲۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۱ شعبه دوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلالگران و مفسدان اقتصادی. در بخشی از دادنامه چنین آمده است: «... نقش و جایگاه وحید مظلومین در میدان‌داری و کنترل امور بازار ارز و سکه به حدی بوده که طبق تحقیقات میدانی به‌عمل آمده وی را به‌عنوان مرجع و مرشد و بزرگ بازار سکه و ارز می‌شناختند و هیچ کس جرأت تخطی از دستورات وی را نداشته و همه نظامات بازار غیررسمی سکه و ارز که متأسفانه بازار رسمی کشور را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داد در اختیار وی بوده، اعم از ساعت فعالیت و خاتمه کار، واریز و جوه، مبلغ و قیمت سکه و ارز و ... به همین دلیل وی را در بازار با لقب «ملا» می‌شناختند و در این اواخر هم به‌عنوان «سلطان» معروف شده است، به گونه‌ای که براساس گزارش مأمورین اقدام‌کننده زمانی که وی دستگیر می‌شود مرتباً به مأمورین انتظامی

در رویه قضائی، شعبه ۳ دادگاه انقلاب اسلامی شهر تهران ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران (مستقر در مجتمع امور اقتصادی) در دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۳۱۱۸۶۹۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۱ به طور صریح به این موضوع پرداخته و چنین استدلال کرده است:

چون عنوان مجرمانه اخلال در نظام اقتصادی کشور، با توجه به عنوان قانون که به نظام اقتصادی (پولی) کشور اشاره کرده، به لحاظ نصی و ظاهری مهم‌ترین جرم اقتصادی در حوزه ارز و پول است. اخلال در نظام اقتصادی کشور عنوانی نیست که نشان‌دهنده ماهیت اعمال جرم‌انگاری شده باشد. بدین لحاظ بسیاری از رفتارهایی که در این قانون نیامده است اعم از اینکه در قوانینی جداگانه و تحت عنوانی مستقل جرم‌انگاری یا به طور کلی جرم‌انگاری نشده باشند، با جمع بودن شرایط می‌توانند سبب اخلال در نظام اقتصادی کشور شوند. قانونگذار مصادیق مجرمانه در بندهای هفت‌گانه ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی را به طور غیرحصری و به نحو تمثیلی از قبیل قاچاق ارز، ضرب سکه، احتکار و گران‌فروشی ارزاق و نیازمندی‌های عمومی و سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد و ... عنوان داشته است. با این وصف مدافعات متهمان و وکلای آنان در جرم نبودن اعمال ارتكابی و مستثنی بودن آن از شمول قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی قابل پذیرش نیست. چون لزومی ندارد سایر رفتارهای مجرمانه غیرمصرح در بند (الف) هم‌ردیف و هم‌سنخ مصادیق تصریح شده در ماده باشند، بلکه اخلال در نظام پولی از طریق ارتكاب سایر رفتارهای مجرمانه از قبیل تحصیل مال از طریق نامشروع و یا کلاهبرداری و ... نیز واقع می‌شود.^۱

↓

پرخاش کرده و می‌گفته است که «بروید افتخار کنید که مرا دستگیر کرده‌اید و بگویید سلطان ارز و سکه را گرفتیم این افتخار بزرگی برای شماست»...».

۱. عمده این استدلال‌ها در دادنامه‌های دیگر صادره از این شعبه همچون دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۸۵۸۴۳۱۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ یا دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۹۳۰۰۰۹۲۵۳۵۷۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ نیز تکرار شده است.

از طرفی با توجه قرار دادن مصالح کلان اقتصادی و لزوم انطباق قوانین مصوب در گذشته با مصادیق و مظاهر جدید فساد و به عبارتی توسل به اصولی چون روح قانون و احراز نظر مقنن، مصادیق اخلال در نظام پولی تنها محدود به ارتکاب رفتارهای مجرمانه مذکور در قانون نیست، بلکه هر رفتاری که سبب بروز اخلال در نظام اقتصادی (پولی) شود هر چند وصف مجرمانه مستقلی هم نداشته باشد، می‌تواند سبب اخلال شود. مؤید این موضوع بزه قاچاق ارز که در بند (الف) ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی عنوان مصداق اخلال در نظام پولی، پیش‌بینی شده است، در زمان تصویب قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی، تنها یک تخلف ساده بوده و جنبه مجرمانه نداشته است و با وجود این قانون‌گذار این رفتار را به‌عنوان مصادیق اخلال مورد توجه قرار داده است. اضافه بر اینکه قانون‌گذار در بندهای دیگر ماده یک قانون مرقوم مصادیقی را پیش‌بینی کرده از قبیل احتکار و یا سپرده‌گیری ... که واجد وصف مجرمانه نیست، لذا درخصوص بندهای هفت‌گانه ماده یک این قانون باید بر همین منوال عمل و دامنه ماده را تعیین کرد. به بیان بهتر بند (الف) ماده یک قانون مرقوم از دو جهت قابل امعان نظر است: نخست، اینکه به جرم‌انگاری وابسته یا لایه‌ای بند «الف» دست زده است که براساس آن تحقق جرم اخلال، وابسته به تحقق رفتارهای دیگری است که طبق قوانین کیفری موجود، جرم هستند. به عبارت دیگر، آن رفتارها لایه‌های جرم اخلال را تشکیل می‌دهند؛ دوم، اینکه طرق تحقق اخلال به صورت تمثیلی بیان شده و با محوریت پول و ارز باشند. حسب ظاهر ماده به‌نظر می‌رسد فروضی نیز قابل تصور است، که جرم اخلال با ارتکاب رفتارهایی محقق شود که حتی در قوانین موجود، این رفتارها جرم‌انگاری نشده و این رفتارها به تنهایی فاقد وصف مجرمانه باشند، چراکه، بخش اخیر بند (الف) ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی، با قید و امثال آن، به تمثیلی بودن مصادیق مورد اشاره در متن ماده، تصریح کرده است و چنانچه استدلال شود که «مماثلت» دلخواه قانونگذار در این ماده، از حیث واجد «وصف مجرمانه» بودن رفتارها هم باید باشد. در پاسخ می‌توان گفت که لفظ «امثال آن» به مصادیق تمثیلی در متن ماده اشاره دارد. این مصادیق، هم شامل

رفتارهایی است که وصف مجرمانه مستقل دارند، از جمله « قاچاق ارز، ضرب سکه قلب و جعل اسکناس و توزیع نمودن» و هم شامل رفتارهایی است که به موجب هیچ کدام از قوانین موجود به طور مستقل و به صورت مطلق، جرم شناخته نشده‌اند. در ضمن، از آنجا که سیاست گذاری در حوزه ارزی به موجب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نیز قانون پولی و بانکی کشور در اختیار دولت است، ممکن است در دوره‌های مختلف دچار تغییر و تحولاتی شود و گاه الزامات و اقتضائات متفاوتی داشته باشند؛ از این رو، هر کدام از این رفتارهای بیان شده در متن ماده و نیز امثال آن ممکن است در دوره‌ای جرم تلقی شوند و در دوره‌ای دیگر فاقد وصف مجرمانه باشند. از این رو، با پذیرش تخصیص لفظ عام «امثال آن» تنها به رفتارهای دارای وصف مجرمانه، در عمل اثبات جرم «اخلال در نظام اقتصادی (پولی) کشور» ممکن نخواهد بود. حال آنکه در موارد متعددی، تحقق اخلال در نظام اقتصادی (پولی) کشور از طریق رفتارهایی که ممکن است جرم‌انگاری هم نشده باشد، به نظر، قابل تصور است. پس، جرم موضوع این قانون، وصف مجرمانه‌ای مستقل از دیگر قوانین دارد. چنانچه رکن مادی جرم متشکل از سه بخش «رفتار فیزیکی، شرایط تحقق جرم و نتیجه مجرمانه» در نظر گرفته شود. در این صورت، رفتارهایی مانند تحصیل مال از طریق نامشروع (رفتار فیزیکی)، چنانچه به اخلال در نظام اقتصادی (پولی) کشور (نتیجه مجرمانه)، به صورت عمده یا غیر عمده (شرایط تحقق جرم)، منجر شوند، مشمول این قانون هستند، چراکه به دلیل متعددی بودن مصدر «اخلال»، این رفتار این نتیجه را هم در پی دارد و اخلال در نظام اقتصادی (پولی) جرمی مقید به نتیجه است. ... در نهایت تحصیل مال از طریق نامشروع به اخلال در اقتصادی (پولی) کشور در حد عمده و کلان جرم منجر شده و صراحتاً از مصادیق رفتارهای موضوع بند «الف» ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی محسوب شده که در نتیجه هرگاه نظام پولی کشور را به عنوان یکی از ارکان مهم و اساسی اقتصاد یک کشور دچار

اختلال و بی‌نظمی و بی‌ثباتی و آشفتگی قرار دهد، قطعاً مشمول بند «الف» ماده یک قانون مرقوم می‌گردد.^۱

در بخش دیگر این دادنامه، دادگاه افزوده است:

مقنن نیز با قید «امثال آن» که ناظر بر رفتارهای تمثیلی، به دنبال بیان رفتارهایی بوده که می‌تواند نظام پولی کشور را به‌عنوان ارکان مهم اقتصادی کشور دچار آشفتگی و اختلال نماید و صرفاً در صدد بیان رفتارهایی از سنخ قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی نبوده که دامنه شمول بند «الف» ماده یک این قانون را محدود به این نوع رفتارها کند. آنچه محرز و مسلم است، جرائم مختلفی در حوزه نظام پولی کشور از قبیل خلق مجرمانه پول (جعل اسکناس، قلب سکه و...) (و کسب مجرمانه پول) قاچاق ارز، جرائم بورسی و ربا و... (و حبس مجرمانه پول) پول‌شویی و جرائم مالیاتی و... (و از این دسته جرائم واقع می‌شود که می‌تواند سبب‌ساز اختلال در نظام پولی کشور شود که برخی از جرائم همانند اختلال در نظام اقتصادی (پولی) کشور و معاونت در آن که سبب‌ساز اختلال در نظام پولی کشور شود و... نیز از این موارد است. بنابراین، تصریح بند «الف» ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی و همچنین قید امثال آن به نظام پولی کشور برمی‌گردد که از طریق رفتارهای منعکس در بند «الف» ماده یک این قانون یا سایر رفتارهایی تمثیلی است که منتهی به اخلال در نظام پولی کشور شوند. ...

در پرونده دیگری مشهور به پرونده سه هزار میلیارد تومانی، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران در دادنامه شماره ۱۱۰ ش د ۱، ۹۱ مورخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۱، در رسیدگی به اتهام افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور با تبانی و فساد در شبکه بانکی کشور و توسل به روش‌های متقلبانه و اضرار به نظام و مشارکت در کلاهبرداری کلان و تحصیل مال از طریق نامشروع، با احراز ارتکاب جرائم افساد فی الارض، شرکت در

۱. جالب آنکه در بررسی به‌عمل آمده توسط نگارنده بخش عمده‌ای از استدلال‌هایی که در متن دادنامه ذکر شده است، برشی از یک مقاله است (جهت مطالعه بیشتر ر.ک. مجاهد، ۱۳۹۵: ۱۷، ۱۸).

پول‌شویی، جعل و استفاده از اسناد مجعول، برای متهمان ردیف یکم تا چهارم پرونده حکم اعدام صادر کرد. دادنامه مذکور در بخش دیگری استدلال کرده است:

دخالت تام متهمان ردیف اول تا چهارم در گشایش ۱۳۶ فقره ال سی و پذیرش آن از سوی متهمان و علم آن‌ها به اینکه ال سی‌ها عمدتاً صوری و غیرواقعی است و در مقابل آن‌ها کالایی مبادله نمی‌شود و موجب خالی شدن بانک‌ها و اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌باشد و انطباق بر قسمت اول ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور دارد ...

صدور چنین رأیی در حالی است که اقدام به گشایش این گونه اعتبارات اسنادی ریالی که طبق ضوابط موجود در هنگام گشایش آن‌ها انجام شده، از نظر قوانین مربوطه جرم نبوده تا مشمول موارد مذکور در قانون مجازات اخلالگران قرار گیرند. خالی کردن بانک‌ها نیز اتهامی است که مستندی برای آن وجود ندارد و خلاف واقع است. همچنین، شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور برای تأیید حکم دادگاه انقلاب از جهت انطباق اعمال متهمان ردیف یکم تا چهارم با بندهای الف و ج ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور به این استدلال شگفت‌انگیز متوسل شده است:

در بند الف و ج ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور عبارت «و امثال آن‌ها» به کار گرفته شده که البته در آخر هر بند ذکر شده و کلمه اخلال هم در صدر هر بند ذکر شده که مبین آن است که آنچه داخل هر بند از این طریق بیان شده تمثیلی می‌باشد. یعنی اخلال در نظام پولی و ارزی کشور منحصر به قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آن‌ها اعم از داخلی و خارجی نیست و در غیر این موارد هم ممکن است مصداق پیدا نماید ...

۳. تبیین نظریه مختار

مشاهده شد که استدلال‌های ضدونقیضی در دادنامه‌های مختلف در این خصوص وجود دارد. عده‌ای معتقدند بحث امثالهم که در ادامه بند الف ماده ۱ آمده، صرفاً اختصاص به رفتارهایی مشابه آنچه در همان بند اشاره شده، یعنی قاچاق، ضرب و توزیع دارد و نمی‌توان آن را وسعت بخشید و به سایر موارد هم تسری داد، اما در برخی از دادنامه‌ها

آمده که لزومی به مشابهت موارد با آنچه در بند الف ذکر شده است، نیست و می‌توان عملیات مشروع و سایر موارد را هم در نظر گرفت. به‌طور کلی دیدگاه‌های مطروحه و تفسیرها در قالب دو دسته کلی قابل تقسیم‌بندی هستند. گروهی اخلال در نظام اقتصادی کشور را صرفاً از طریق رفتارهای مجرمانه (جرم‌انگاری شده مستقل) قابل ارتکاب می‌دانند و گروهی دیگر علاوه بر آن، رفتارهای فاقد وصف مجرمانه را نیز موجد عنوان مجرمانه اخلال می‌دانند.^۱ مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ در خلال گفت‌وگوی خود ضمن اشاره به رویه شعب دیوان عالی کشور به‌عنوان مرجع عالی تفسیر و برداشت قضائی، بیان داشته است:

تفسیر شعب دیوان تفسیر یک دادگاه کیفری دو یک شهر دورافتاده نیست که شما بگوئید اون نظر خودش را دارد! شعب دیوان مکرراً اعلام کرده‌اند که ما عنوان مجرمانه اخلال در نظام اقتصادی از طریق تحصیل مال از طریق نامشروع نداریم! این اختراع عنوان مجرمانه است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۶ در نقد رویکرد دوم بیان می‌کند:

شورای نگهبان برای اینکه تفسیر موسع نباشد و قانون تمثیلی نشود، این قانون را ایراد گرفته است. شما نمی‌توانید چنین مسلماتی را کنار گذاشته و ادعا کنید با توجه به تمثیلی بودن رفتارهای متعددی را دربر می‌گیرد. من آرای متعددی از دیوان عالی دارم که چنین برداشتی که دادگاه‌های ویژه دارند را باطل اعلام کرده است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ نیز ضمن تقيیح این رویکرد بیان داشته است که

نگرش دادگاه ویژه نسبت به مصادیق اخلال در سال‌های اخیر و بعد از استجازه، بازتر و روشنفکرانه‌تر از قبل بوده است، درحالی‌که ما سختگیری بیشتری را قبل از بحث استجازه شاهد بودیم. ... در سه چهار سال اخیر و بعد از استجازه پرونده‌های اخلال در نظام ارزی و بانکی وسعت یافته‌اند و این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان کسانی را که تسهیلات کلان بانکی دریافت کرده‌اند، مرتکب جرم اخلال دانست؟ آیا اساساً یک عملیات مشروع می‌تواند مصداق جرم اخلال باشد؟ معیار تطبیق با جرم اخلال

۱. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ در توصیف وضعیت تفسیرهای قضائی قضات دادگاه‌های ویژه اظهار داشته است که «دادگاه ویژه، یک دادگاهی با آیین دادرسی ویژه و نانوشته است که براساس قوانین ماهوی نانوشته حکم صادر می‌کند. چون این‌ها حتی به همان قانون غلط مجازات اخلالگران هم عمل نمی‌کنند!».

چیست؟ اخلال از طریق اقدام غیرمجرمانه چگونه می‌تواند در دامنه شمول بند الف ماده یک قانون اخلال قرار گیرد؟ مصادیقی همچون خیانت در امانت یا تحصیل مال از طریق نامشروع که در پرونده‌های بانک سرمایه، شاملویی و پتروشیمی مطرح شد ما را با چالش‌های زیادی مواجه کرد.

برخی از این رفتارها اساساً جرم‌انگاری نشده‌اند و برخی دیگر را می‌توان نهایتاً با یک تخلف اداری و ... تطبیق داد که در هر صورت از موارد مذکور در ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور خارج است، اما مبتنی بر این رویکرد، تفسیر غایی و منطقی از سیاق و مفهوم عبارات مذکور در ماده ۱، اقتضای آن دارد که رفتارهای ذکر شده، در عین حال که فاقد وصف مجرمانه‌اند، به‌عنوان مصادیقی از مصادیق اخلال در نظام اقتصادی کشور قابل تعقیب کیفری باشند.

بعضی از مراجع قضائی در جو عمومی و در گیرودار مبارزه با مفاسد اقتصادی، در مقام تفسیر و اجرای قانون اخلال در نظام اقتصادی کشور نه تنها قواعد و ضوابط تفسیر بلکه اصول بنیادین حقوق کیفری را هم کنار می‌گذارند و جرائم موضوع قوانین خاص غیر از قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و حتی برخی رفتارهای جرم‌انگاری نشده را هم مخل نظام اقتصادی و مشمول مجازات مقرر برای آن می‌دانند. این رویه را به‌حق باید جرم‌انگاری قضائی دانست و نه تفسیر قضائی قانون که می‌تواند سبب مجازات‌های ناروا و سلب آزادی‌های مشروع شود (چگینی و سیاهبیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۸: ۹۹)، زیرا علاوه بر مغایرت با ضوابط تفسیر قوانین جزایی و ضابطه تفسیر شک به نفع متهم، با بنیادی‌ترین اصل حقوق جزا یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات هم منافات دارند و تفسیرهایی ناهنجارمند و قابل انتقاد محسوب می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین معیارهایی که می‌تواند به ما در تفسیر و برداشت از مفهوم و مصادیق رفتارهای مختل‌کننده نظام اقتصادی کشور کمک نماید، رویه تقنینی است. به موجب تبصره ۳ ماده ۸ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷) مصوب ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ قانون‌گذار به انتهای بند «الف» ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی، عبارت «و هرگونه تبانی در پرداخت تسهیلات کلان بانکی، از جمله تأمین مالی ترجیحی برای سهام‌داران

خصوصی و سایر اشخاص مرتبط با مؤسسات اعتباری (موضوع بند «ز» ماده ۱) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و عدم بازپرداخت تسهیلات کلان بانکی» را افزوده است. مبتنی بر این مقرر، قانون‌گذار در رفع خلأ تقنینی و پوشش مصادیق جدید الظهور اخلال در نظام اقتصادی کشور برخی از رفتارهای فاقد وصف مجرمانه در نظام بانکی را به رفتارهای موجد اخلال در نظام اقتصادی کشور افزوده است و طبعاً رفتارهای مجرمانه اخلال نیز منحصر به همین مصادیق خواهد بود و گسترش قلمرو آن بدون اراده قانون‌گذار امری مذموم و خلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست. چه اینکه اگر مقصود مقنن رفتارهایی افزون بر این مورد بود، می‌توانست در مقام اصلاح این مقرر به آن رفتارها تصریح کند و سکوت وی در مقام بیان نسبت به رفتارهای دیگر حاکی از عدم شمول قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی است.

نتیجه

اینکه قانونگذار مصادیق مجرمانه مذکور در بندهای هفت‌گانه ماده ۱ قانون اخلال در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی را به‌طور غیرحصری و به نحو تمثیلی بیان کرده است، سخن درستی است. مسئله این است که اصول حقوقی و ضوابط تفسیری حاکم بر این گونه مقررات قانونی کدام‌اند و ملاک مورد نظر مقنن در تشخیص قلمرو قانون چیست؟ ملاحظه شد که در پرونده‌های مختلف، رویه محاکم در احراز شرایط از جمله اخلال عمده در نظام اقتصادی یکسان نبوده و سرنوشت پرونده تابع سلیقه و تفسیر مراجع رسیدگی‌کننده و تأثیر فضای روانی جامعه بر دادرس بوده است. قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، با فراهم آوردن زمینه برای برخی از تفاسیر دور از ذهن حقوق شهروندان را تضییع می‌کند، زیرا در فضای اقتصادی مرز بین رفتارهای مجاز و غیرمجاز گاه چنان باریک است که تشخیص آن‌ها چندان آسان نیست.

منطق حقوقی و ضابطه تفسیری مورد بحث اقتضا می‌کند که عموم عبارت ذیل ماده موصوف در سایه خصوص موارد مذکور در صدر آن تأویل شود و گستردگی بیش از اندازه و شمول غیرمعتاد آن با ملاک مقرر در صدر ماده یعنی تحصیل وجوه و اموال از

دولت و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی، محدود و مهار گردد. این امر به‌ویژه با توجه به کیفرهای سنگین پیش‌بینی شده مانند اعدام و حبس‌های بلندمدت، به دور از اصل احتیاط در دماء است. از جهت عکس هم، ممکن است شخصی که در واقع مستحق دریافت محکومیت است، از طرق مختلف و با توجه به تفسیر برداری قانون، بتواند خود را از چنگال قانون برهاند و این امر موجب تضییع بیت‌المال شود. برای نمونه، عدم انطباق بند (ب) ماده ۱ قانون اخلال با قاعده توصیف کیفری و به تبع، عدم امکان تعیین عناوین مجرمانه، آثار منفی چندی می‌تواند در پی داشته باشد. مشخص نیست که چگونه مقامات قضائی باید اقدام به گزینش عنوان مجرمانه و تفهیم اتهام به متهم کنند تا وی براساس اتهام مورد نظر مبادرت به دفاع از خود کند.

این مسئله، اصل دادرسی منصفانه را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. همچنین ممکن است میان دادستان، بازپرس و دادرس دادگاه اتفاق نظر بر نوع اتهام انتسابی حاصل نشود. ممکن است بازپرس طبق برداشت خود، قائل به عدم خصوصیت طرق باشد و تفهیم اتهام «اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی» را کافی بداند و بر همین اساس کیفرخواست در دادگاه مطرح شود. اما دادرس دادگاه، با خصوصیت بخشی به طرق، ضمن اظهار مخالفت با نظر بازپرس و عنوان اتهامی موجود در کیفرخواست، اتهام انتسابی را چیز دیگری بداند. در چنین شرایطی که توصیفات قانونی، قاعده‌گریز است، اختلاف آرا درباره عنوان مجرمانه دور از انتظار نیست.

با امعان نظر به اینکه تفسیرهای قضائی در جهت تبیین و شفاف‌سازی مراد قانون‌گذار راهگشا نیست و خود معضل جدی‌تری را برای شهروندان به وجود آورده است، تدبیر در سیاست جنایی قضائی مستلزم تغییر در قانون است و ضرورت رفع این ابهام در راستای حفظ حقوق شرعی و قانونی شهروندان و بیت‌المال احساس می‌شود. تفسیرهای تعمیمی از ماده ۱ این قانون که در سال‌های اخیر رواج یافته و متهمان را به جای محاکم کیفری عمومی راهی شعب دادگاه انقلاب می‌کنند، خصوصاً با توجه به محدودیت حقوق دفاعی آنان در شعب ویژه و کیفرهای سنگینی که در کمینشان نشسته‌اند، تفسیرهایی ناهنجارمند و قابل انتقاد محسوب می‌شوند.

پیشنهاد مشخص این پژوهش اصلاح قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور و جرم‌انگاری شفاف و مصداق‌محور است. البته تا پیش از آن ضروری است که در راهبرد کوتاه‌مدت جهت استقرار رویه واحد، توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور در قالب صدور رأی وحدت رویه، تفسیر قضائی معتبری از این قانون ارائه دهد و به اختلاف و تشتت رویه پایان بخشد و از اعمال سلیقه کنشگران قضائی که گاهی با پوشش «تفسیر» جلوه‌نمایی می‌کند، جلوگیری کند.

منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام و مجید صادق‌نژاد نائینی (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۵.
- احمدزاده، رسول، سیددرید موسوی‌مجاب و محمود صابر (۱۴۰۲)، «سیاست جنایی قضائی استجازه‌ای در رسیدگی به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، دوره ۱۴، شماره ۲.
- احمدزاده، رسول، سیددرید موسوی‌مجاب و محمود صابر (۱۴۰۳)، «اخلال افسادفی‌الارض محور در نظام اقتصادی کشور»، **مجلس و راهبرد**، دوره ۳۱، شماره ۱۲۰.
- اکرمی، روح‌الله (۱۳۹۹)، «احتیاط در دماء»: مبنایی برگرفته از شرع و عقل»، **دوفصلنامه عقل و دین**، شماره ۲۳.
- امیدی، جلیل (۱۴۰۱)، «امثال آن و تفسیر آن؛ تقریرات تمثیلی در قوانین کیفری و ضابطه تفسیر آن‌ها»، **مجله علمی، خبری و تحلیلی کانون وکلای دادگستری اردبیل**، سال پنجم، شماره ۷ و ۸.
- امیدی، جلیل (۱۴۰۳)، «بیان تمثیلی قوانین کیفری و شاخص‌های کیفیت قانون؛ چالش و رهیافت تفسیری»، **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۵۴.
- چگینی، مهدی و سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی (۱۳۹۸)، «تأملی بر رویکرد مقنن نسبت به اخلال در نظام اقتصادی کشور و تقابل آن با حقوق اساسی شهروندان»، **پژوهشنامه حقوق بشری**، شماره ۱۵.
- حسنی، جعفر و مهرا، نسرین (۱۳۹۶)، «نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، **مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۲.
- خبازی خادر، سیده طاهره و سیدحسین حسینی (۱۳۹۹)، «تبیین مدل توصیف کیفری اختصاصی: با نگاهی به بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی»، **پژوهش‌های حقوقی**، دوره ۱۹، شماره ۴۲.
- سمیعی زوز، حسین، محمدجعفر حبیب‌زاده و محمود صابر (۱۳۹۵)، «تحلیل جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور» از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق ایران»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، دوره ۱۳، شماره ۱۱.
- مجاهد، مهدی (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی "جرائم ارزی" به مثابه "جرم علیه امنیت اقتصادی کشور"»، **آفاق امنیت**، شماره ۳۳.
- معین، محمد (۱۳۸۴)، **فرهنگ معین**، تهران: راه رشد.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و حامد رهدارپور (۱۴۰۱)، «اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی**، شماره ۸۱.

➤ میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: میزان.

ب) تصمیم‌های قضائی

- دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۳۱۱۸۶۹۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۱ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران و مفسدان اقتصادی.
- دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۸۰۷۲۰۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۱ شعبه دوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران و مفسدان اقتصادی.
- دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۸۹۰۰۱۰۷۲۱۵۹۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۸ صادره از شعبه ۴ دادگاه انقلاب اسلامی تهران.
- دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۸۵۸۴۳۱۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران و مفسدان اقتصادی.
- دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۹۳۰۰۰۹۲۵۳۵۷۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران و مفسدان اقتصادی.
- دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۷۸۰۷۳۰۰۰۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۴ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران و مفسدان اقتصادی.
- کیفرخواست شماره ۹۷۱۰۴۳۲۱۳۲۰۰۰۳۲۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۱ دادرسی عمومی و انقلاب تهران